

**بررسی سیاست‌های دولت در تنظیم بازار گوجه‌فرنگی در ایران**  
**سمانه قلی پور، پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی**  
**باشگاه خبرنگاران جوان - مجله بهار نارنج**

بر اساس بررسی‌های انجام شده سیاست‌های داخلی دولتها اصولاً پوشش دهنده سیاست‌های طرف تولید و طرف عرضه می‌باشند، سیاست‌های سمت تولید شامل اعطای یارانه‌های حمایتی به نهاده‌های تولید، تسهیلات و اعتبارات پرداختی برای بهبود وضعیت و...، حمایت در سمت عرضه نیز بیشتر بخش خرید و توزیع محصول را در بر می‌گیرد که شامل سیاست‌های تنظیم بازار، خرید تضمینی و... می‌باشد. در ایران عمده حمایت‌های کشاورزان به سه روش حمایت قیمتی یا خرید تضمینی، حمایت‌های نهاده‌ای (اعطای یارانه به نهاده‌ها و اعتبارات) و سایر حمایت‌ها نظیر پرداخت غرامت و یا بخشی از حق بیمه انجام می‌گیرد. بر این اساس با توجه به مشکلات عرضه و توزیع گوجه‌فرنگی و نوسانات قیمتی آن در فصول مختلف سال، که تقریباً هر ساله به عنوان یکی از معضلات بازار محصول گوجه‌فرنگی به خصوص در فصول سرد سال تکرار می‌شود، طبعاً وجود این مشکلات در کاهش درآمد گوجه‌کاران و اشتغال آنان و همچنین خرید توسط مصرف‌کنندگان تاثیر زیادی داشته، این عوامل موجب شده تا انجام سیاست‌های مناسب برای تنظیم بازار گوجه‌فرنگی از اهمیت بالایی برخوردار باشد. سیاست‌های تنظیم بازار اصولاً به منظور تنظیم و برقراری تعادل بین عرضه، تقاضا و کاهش نوسانات قیمتی به ویژه در زمینه محصولات گروه کشاورزی توسط دولتها در قالب دو گروه از سیاست‌های داخلی و مرزی اعمال می‌گردند. بر این اساس این نوشتار به دنبال آن است تا به تفکیک سیاست‌های دولت در بخش‌های تولید، مصرف، قیمت و تجارت گوجه‌فرنگی را مورد بررسی قرار دهد.

به‌طور کلی بررسی روند حمایت‌ها از طریق تعیین قیمت‌های تضمینی محصولات کشاورزی در کشور طی دهه‌های گذشته نشان می‌دهد در جهت تضمین نوسانات ناشی از شرایط بازار، هر ساله در خصوص اقلام زیرگروه سبزیجات نظیر سیب‌زمینی و پیاز سیاست خرید تضمینی صورت گرفته، اما به دلیل غیر استراتژیک بودن گوجه‌فرنگی، این محصول تحت شمول این دسته از سیاست‌های دولت قرار نداشته است. اگرچه مطالعه روند شاخص قیمت مصرف‌کننده گوجه‌فرنگی در ماه‌های برداشت و غیر برداشت محصول نشان می‌دهد شاخص قیمت خرده‌فروشی گوجه‌فرنگی در سال ۱۳۸۹ از خرداد تا آذر با نوسان ۳/۵ برابری و در سال ۱۳۷۹ با نوسان ۳/۲ برابری مواجه بوده است. به علاوه در

زمینه کشت و تولید گوجه‌فرنگی و به تبع آن خرید این محصول از جانب کارخانجات، سیاست دولت بیشتر بر اساس عدم مداخله دولت در این صنعت بوده است. البته در زمینه سیاستگذاری مربوط به نهاده‌های تولید این محصول و سایر محصولات کشاورزی از قبیل کود شیمیایی، سم و بذر در سالهای گذشته مداخلاتی از سوی دولت انجام گرفته است<sup>۱</sup>، به طوریکه در سال ۱۳۸۷ کود شیمیایی با اختصاص ۱۱۶۶۵ و سم و بذر با اختصاص ۶۶۵ میلیارد ریال از کل یارانه‌های بخش کشاورزی، بیش از ۱۷ درصد و کمتر از یک درصد از رقم کل یارانه کشاورزی را به خود اختصاص داده‌اند. البته طی دهه گذشته کودهای شیمیایی همواره از تداوم پرداخت یارانه بیشتری نسبت به سم و بذر برخوردار بوده‌اند.

علاوه بر پرداخت یارانه به برخی نهاده‌های تولید از قبیل کود شیمیایی و بذر، دیگر سیاستگذاری مشخص دولت در سالهای گذشته اجرای برنامه‌های صندوق بیمه و پوشش زمینهای کشت گوجه‌فرنگی در فضای باز و گلخانه‌ای بوده است. به طوریکه در مورد محصول گوجه‌فرنگی عوامل خطر شامل عوامل قهری و طبیعی تحت پوشش این صندوق قرار داشته‌اند. مقایسه‌ای از میزان بیمه در برابر کلیه خطرات و در عین حال خسارات وارده در زیربخش زراعت و محصول گوجه‌فرنگی طی سالهای زراعی ۸۷-۸۸ و ۸۸-۸۹ نشان می‌دهد هر چند میزان کل حمایت‌های این صندوق از بخش زراعت با ۱۹ درصد کاهش نسبت به سال قبل، به ۳۸۴۴ هزار هکتار در سال زراعی ۸۸-۸۹ رسیده، اما در خصوص محصول گوجه‌فرنگی میزان پوشش زمینهای کشت گوجه‌فرنگی در فضای باز و گوجه‌گلخانه‌ای طی دوره مورد بررسی با افزایش روبه‌رو بوده، به طوری که میزان پوشش برای گوجه‌فرنگی در فضای باز و گوجه‌گلخانه‌ای به ترتیب از ۲۷۲۷ و ۱۷ هکتار در سال ۱۳۸۷-۱۳۸۸ به ۳۶۰۱ و ۲۷ هکتار در سال ۱۳۸۸-۱۳۸۹ رسیده است.

همچنین بررسی سهم اعتبارات زیر بخش زراعت نسبت به بخش کشاورزی نشانگر کاهش اختصاص اعتبارات به این بخش طی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه اقتصادی بوده است، تا جاییکه نسبت اعتبارات اعطایی بانک کشاورزی به بخش زراعی از ۳۲/۴ درصد در برنامه اول توسعه به ۲۲ درصد تا پایان برنامه چهارم رسیده است. نکته دیگر اینکه اگرچه میزان مصوب اعتبارات تملک دارایی این

---

<sup>۱</sup> البته پس از حذف شدن یارانه سموم در سال ۱۳۸۶ این سیاست محدودتر شده است.

بخش طی سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ رشد چشمگیری داشته، اما در عمل از میزان تحقق بودجه مذکور کاسته شده و از ۹۲ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۵۶ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است.

این شرایط در حالی است که عمده تولیدکنندگان این محصول در استانهای مختلف کشور، جز کشاورزان خرده‌پا بوده و با توجه به نیازمندی بیشتر آنها به منابع مالی و قدرت و نفوذ کمتر در دریافت اعتبارات و تسهیلات بانکی، دسترسی آنها به منابع مالی محدودتر شده و در عین حال وابستگی بیشتری به منابع غیررسمی، واسطه‌گران و میدانداران پیدا کنند. لذا با توجه به سیستم سنتی توزیع محصولات کشاورزی، با ایجاد موقعیت انحصاری برای واسطه‌گران، امکان اعمال اجحاف از سوی آنها فراهم شده و در واقع با تامین امکانات مورد نیاز کشاورز که می‌بایست از طریق دولت و یا تشکلهای مربوطه تامین می‌شد، زارعین به ناچار در برابر تصمیمات و اطلاعات اعلام شده در مورد قیمت فروش محصول تسلیم شده و در نهایت قدرت چانه‌زنی پایینی خواهند داشت. مجموع این عوامل سبب شده تا قیمت خرید این محصول به خصوص در فصل برداشت و با توجه به عرضه زیاد آن، توسط دلالان در سطوح پایینی تعیین گردد و بدین ترتیب کشاورزان از کشت این محصول متضرر شده و در نتیجه در بلندمدت انگیزه لازم برای تولید کاهش و الگوی تولید با نوساناتی مواجه گردد. در این شرایط از یکسو تولیدکننده در موقعیت نااطمینانی قرار می‌گیرد چراکه در فصول برداشت به علت کاهش بیش از حد قیمت محصول با جبران نشدن هزینه تولید و برداشت روبرو می‌شود، از سوی دیگر مصرف‌کنندگان نیز با توجه به افزایش تقاضا در فصول غیربرداشت نسبت به عرضه محصول به ناچار می‌بایست قیمتهای بالاتری بپردازند. به علاوه نوسانات تولید و قیمت گوجه‌فرنگی مسلماً موجب می‌گردد تا میزان دسترسی به محصول مورد نظر با عدم اطمینان و علاوه بر آن برنامه‌ریزی برای صادرات این محصول نیز با مشکلات جدی و عدیده‌ای مواجه گردد. بر این اساس با توجه به اینکه در طول سه دهه گذشته، عمده سیاست حمایتی دولت از محصول گوجه‌فرنگی اعطای یارانه به نهاده‌های تولید و تا حدودی بیمه محصول کشاورزی بوده و دیگر سیاستهایی که به طور مستقیم بر تولید تأثیرگذار بوده نظیر خرید تضمینی، ذخیره‌سازی، توزیع و... در مورد گوجه‌فرنگی به کار گرفته نشده، لذا با توجه به مسایل پیش گفته لازم است برنامه‌ریزی مناسب در جهت اصلاح نواقص موجود در نظام تهیه و توزیع گوجه‌فرنگی اتخاذ گردد، بدین منظور یکی از اقدامات اساسی دولت در این زمینه، می‌تواند حمایت از تولید داخلی و مصرف از طریق

سیاست‌هایی نظیر تعیین کف قیمت یا ذخیره‌سازی به موقع به خصوص در فصل برداشت و همزمان با کاهش قیمت فروش برای کشاورزان باشد، همچنین دولت می‌تواند با استفاده از ابزار تعرفه‌های فصلی در چارچوب قانون مقررات صادرات و واردات در فصول برداشت با وضع آن به حمایت از تولیدکنندگان و در فصل غیربرداشت با حذف نمودن یا کاهش آن نیاز بازار را از محل واردات تامین و در جهت حمایت از مصرف‌کنندگان عمل نماید. در این ارتباط سیاست‌های دولت می‌باید موارد ذیل نظیر اصلاح نواقص سیستم توزیع سنتی و کوتاه کردن دست واسطه‌ها در نتیجه کاهش نوسانات بازار، استفاده از ظرفیتهای موجود عرضه محصول بخصوص در مناطق گرمسیری، انجام مطالعه، پژوهش و آموزش در زمینه آموزش کشاورزان و فعالان فرآوری، تولید و بسته‌بندی گوجه‌فرنگی، سرمایه‌گذاری در زمینه بهسازی و نوسازی ماشین‌آلات مخصوص حمل، انبارها و سردخانه‌های مناسب در مبادی تولید و عرضه، توجه بیشتر به مقوله درجه بندی، بسته‌بندی و تشکیل تعاونیهای تولید و توزیع گوجه‌فرنگی با عضویت تولیدکنندگان و عمده‌فروشان با توجه به نقش پررنگ عوامل واسطه‌ای غیرضروری در برخی مناطق تولید و... را نیز مدنظر قرار دهد.